فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc481664983)

[مسئله هفدهم باب اجتهاد و تقلید عروه 2](#_Toc481664984)

[تعریف و احراز اعلمیت در مسئله هفدهم باب اجتهاد و تقلید عروه 2](#_Toc481664985)

[شاخص‌های اعلم 2](#_Toc481664986)

[اهمیت قید اجود استنباطاً در مسئله هفدهم باب اجتهاد و تقلید 3](#_Toc481664987)

[ارزیابی اعلمیت در امور حسی و ملموس 3](#_Toc481664988)

[ارزیابی اعلمیت در امور غیر حسی و ملموس 4](#_Toc481664989)

[فقه فردی یا اجتماعی 4](#_Toc481664990)

[تأثیر آشنایی با موضوع و اقتضائات زمان و مکان در اعلمیت مجتهد 4](#_Toc481664991)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسئله تقلید (مفهوم اعلم و ملاک تشخیص آن)

# اشاره

مسئله هفدهم باب اجتهاد و تقلید در مورد مفهوم اعلم و ملاک تشخیص اعلم است، قول مشهور از متأخرین این است که باید از مجتهد اعلم تقلید شود، مقصود از اعلم در فتوا و فقه چیست؟

# مسئله هفدهم باب اجتهاد و تقلید عروه

«**المراد مِن الأَعلَم مَن یَکُونُ أعرَف بِالقَواعِدِ و المَدارِک لِلمَسئَله و أکثر إطلاعاً لِنِظائِرِها وَ لِلأخبار وَ أجوَد فَهماً لِلأخبارِ وَ الحاصِلِ أن یَکُونُ أجوَدَ استنباطاً وَ المَرجِعِ فِی تَعینِه أهل الخِبره**»،[[1]](#footnote-1) این مسئله مشتمل بر دو محور است:

# تعریف و احراز اعلمیت در مسئله هفدهم باب اجتهاد و تقلید عروه

1- محور اول در مورد تعریف اعلم است.

2- محور دوم در مورد راه احراز اعلمیت است.

چند شاخص برای اعلم در مسئله ذکر‌شده و در جمع‌بندی یک عبارت جامعی ذکر شده است، شاخص‌های اعلم عبارت است از:

# شاخص‌های اعلم

1- آگاه‌تر به قواعد و مدارک مسئله‌ای باشد، مقصود از قواعد؛ قواعد عامه اعم از قواعد اصولی و فقهی و قواعدی که در اجتهاد دخالت دارد؛ هست و مدارک یعنی ادله‌ای در خصوص هر یک از مسئله‌ها وجود دارد.

2- شاخص دوم این است که اعلم اطلاع بیشتر نسبت به نظایر مسئله معین دارد، مسائل مشابه را بهتر واقف است و احاطه بیشتری نسبت به اخبار و روایات دارد، نگاه شامل و فراگیری نسبت به اخبار و روایات در ابواب مختلف دارد، مدارکی که ابتدا مسئله ذکر شده؛ خاص است، اما در اینجا نظایر مسئله و اخبار به معنای عام هست، اخبار و روایات را بهتر می‌تواند تفسیر کند.

حاصل مسئله این است که استنباط اعلم قوی‌تر و بهتر هست، قابلیت برقرار کردن پیوند میان مسئله معین با سایر مسائلی که با این مسئله ارتباط دارد، همچنین احاطه بیشتر بر مجموعه روایات و مدارک آن دارد.

بنابراین مجموعه مسائلی که مرحوم سید برای تشخیص اعلم ذکر کرده‌اند عبارت‌اند از:

1- آشنایی بیشتر با قواعد کلی

2- آشنایی با مدارک مسئله معین

3- آشنای بیشتر با نظایر این مسئله در سایر ابواب فقه

4- احاطه بیشتر و آگاهی افزون‌تر نسبت به دیگران در زمینه مجموعه اخبار و روایاتی که با این مسئله مرتبط هستند.

5- اجود فهماً للأخبار، علاوه بر احاطه و اطلاعی که اعلم دارد، فهمش نسبت به اخبار بیشتر باشد و فقه الحدیث قوی‌تری دارد، خبر را بهتر می‌تواند تحلیل بکند و تفسیری از آن ارائه بدهد.

 6- اجود استنباطاً باشد، بهتر بتواند رد فرع به اصل بکند و بهتر بتواند حکم مسئله را مقامی و قواعد دربیاورد، همچنین موضوع شناسی‌اش قوی باشد، فهم عرفی و دقیق نسبت به موضوعات داشته باشد.

# اهمیت قید اجود استنباطاً در مسئله هفدهم باب اجتهاد و تقلید

علت بیان قید اجود استنباطاً این بوده که امکان دارد هنوز شاخص‌های دیگری در اعلم وجود داشته باشد، لذا قید اجود استنباطاً را ذکر کردند.

# ارزیابی اعلمیت در امور حسی و ملموس

مطلب دیگر این است که اعلمیت و اعرفیت در کارشناس در امور محسوس است و نتایج آن ملموس برای انسان‌ها می‌شود، مثل درمان دردها یا شناخت اموری که جنبه مادی دارد، در این قسم؛ اعلمیت به این است که کارشناس بهتر انسان را به نتیجه برساند، در این نوع موارد نتایج قابل ارزیابی و سنجش است، پایه نتیجه‌گیری بهتر این است که آن فرد کارشناس در امور ملموس و محسوس قواعد و فنون را در دانش موردنظر بهتر می‌داند، برای اینکه نتایج ملموس و محسوس است می‌شود ارزیابی کرد.

اگر نتایج درست نباشد، مشخص می‌شود که در مقدمات اشکالاتی وجود داشته است.

# ارزیابی اعلمیت در امور غیر حسی و ملموس

نوع دوم؛ کارشناسی‌هایی است که از قبیل بحث‌های فقهی است، در این نمونه از مباحث مخصوصاً در فقه فردی، نتایج در دست فرد عادی و عرفی نیست، غالباً در بحث‌های فقهی این‌گونه است، در بعضی از مباحث دیگر مثل فلسفه و امثالهم هم این‌طور است، از دانش‌هایی است که خبرویت و کارشناسی آن به نتایجی می‌رسد، اما آن نتایج در دست فرد عادی نیست که سنجیده شوند، ممکن است در فقه اجتماعی و امثالهم بیان شود که خروجی در آن هست که می‌شود آن را مبنای سنجش اجتهاد قرار داد که در موارد اجتماعی و سیاسی به نتایج بهتر رسیده شود، اما این بحث تنقیح شده نیست، علی‌الاصول دانش فقه از نوع دومی است که اعلمیت و اعرفیت و درجات کارشناسان در آن را نمی‌شود با نتایج حسی و ملموس نهایی ارزیابی کرد، اما در بعضی از بخش‌های اجتماعی و سیاسی و امثالهم جای بحث دارد.

علی‌الاصول تلقی غالب نوع دوم است، اما شاید این‌طور نباشد که این مطلب کامل باشد، بلکه راه‌هایی در بخشی از فقه وجود دارد که آن نتایج ملحوظ است.

# فقه فردی یا اجتماعی

آیا فقه حالت جنبه فردی و حجت میان عبد و خداوند است، یا اینکه یک نظمی هم می‌خواهد به زندگی بدهد که به نفع زندگی دنیوی شخص و جامعه هست، در این صورت بابی دیگر در این بحث باز می‌شود.

در صورت باز شدن این باب، اجتهادها را از لحاظ نتایج عملی خارجی باید سنجیده شود و شاخص می‌شود که مثلاً اجتهاد یک مجتهد با مجتهد دیگر در نتایج چه تفاوت‌هایی دارد.

از نگاه تک مسئله‌ای و فرعی بیرون می‌آید، اعلمیت در یک نگاه جمعی و نظام‌وار دیده می‌شود.

# تأثیر آشنایی با موضوع و اقتضائات زمان و مکان در اعلمیت مجتهد

در اینجا فقط مرحوم شهید صدر نکته‌ای را دارند و دیگران متعرض نشدند، آشنایی با موضوع و اقتضائات زمان و مکان در اجتهاد اثر دارد، آشنایی بیشتر با آن اقتضائات و موضوع شناسی دقیق‌تری که در یک فقیه باشد، می‌تواند او را در رتبه برتر قرار بدهد.

1. - عروه باب اجتهاد و تقلید م 17 [↑](#footnote-ref-1)